

اصل اولیه و بدیهی در هر تحقیق و پژوهشی این است که محقق پیش از آن که قلم به دست گیرد و درباره موضوع موردنظر مطلبی بنویسد، در حد امکان به منابع و مأخذ مربوط به آن موضوع رجوع کند تا از سویی به ورطه دوباره‌نویسی و تکرار در نغلطد و از سوی دیگر حق پژوهندگانی که پیش از او درباره آن موضوع تحقیق و جست‌وجو کرده‌اند، ضایع نشود.

آقای دکتر سیدمهدی خیراندیش در کتاب *ماه ادبیات و فلسفه* (ش ۹۸ و ۹۹ - آذر و دی ۱۳۸۴) مقاله‌ای با عنوان «حلاج یا خوارزمی؟» نوشته‌اند و در آن ثابت کرده‌اند که دیوانی که به نام دیوان منصور حلاج در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسیده است، از کمال‌الدین حسین خوارزمی، عارف بزرگ قرن هشتم و نهم و شارح مثنوی معنوی است نه از حسین بن منصور حلاج بیضاوی. اما حرف در این است که آقای دکتر خیراندیش مقاله خود را به گونه‌ای نوشته‌اند که گویی قبلاً هیچ کس به این موضوع پی نبرده بوده و در جایی به آن اشاره نکرده است و ایشان اولین نفری هستند که پرده از این امر برگرفته‌اند.

تا آن جا که بنده مطلعم، پیش از ایشان سه تن از استادان و محققان نام‌آور در سه مأخذ و کتاب معتبر این موضوع را متذکر شده‌اند.

۱. مرحوم دکتر مهدی درخشان در مقاله «دیوان منسوب به منصور حلاج» در ضمیمه مجله *دانشکده ادبیات تهران*، با ذکر دلایلی عدم انتساب این دیوان را به حلاج اثبات کرده‌اند (درخشان، ضمیمه).

۲. آقای دکتر نجیب مایل‌هروی در مقدمه شرح *فصوص‌الحکم* از تاج‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، می‌نویسند: «می‌دانیم که کمال‌الدین حسین خوارزمی از شاعران سده هشتم و نهم هجری محسوب می‌شود. او را اشعاری است که مجموعه‌ی ناقص آن به خطا به نام «دیوان منصور حلاج» در ایران به چاپ رسیده است. تحقیقات بعدی نشان داد که دیوان مزبور از حسین منصور حلاج نیست بلکه از سروده‌های سوزناک شاعری‌ست متخلص به «حسین» که قطعاً همین کمال‌الدین حسین خوارزمی است. در شرح *فصوص‌الحکم* مورد بحث نیز جای جای اشعاری نغز و دل‌نشینی از طرف شارح آورده شده که تخلص «حسین» دارد.» (خوارزمی، تاج‌الدین، ص ۷۱) و بعد هم اضافه می‌کنند که کمال‌الدین حسین خوارزمی نه تنها به فارسی شعر می‌سروده، بلکه به عربی نیز سروده‌هایی دارد. و بعد هم ابیاتی از اشعار عربی او را نقل می‌کنند (همان، ص ۱۸).

۳. آقای دکتر محمدجواد شریعت در مقدمه جلد اول *جوهرالاسرار* و *زواهر الانوار* شرح مثنوی از کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، که به تصحیح ایشان منتشر شده است، می‌نویسند: «در سال ۱۳۴۳ دیوانی به نام دیوان اشعار [حسین بن] منصور حلاج از سوی کتابخانه‌ی سنایی منتشر شد در حالی که شاید حسین بن منصور در همه‌ی عمر خویش شعری به زبان فارسی نسوده و حتی شاید جمله‌ای به زبان فارسی نگفته باشد. پس این دیوان از که بود؟ این دیوان (که البته

## بازتاب

# دیوان

# منتسب به حلاج

# و نظر پیشکسوتان

## حاشیه‌ای بر مقاله «حلاج یا خوارزمی؟»

منصور پایمرد



به هرحال، اگر دکتر خیراندیش از این منابع بی اطلاع بوده‌اند، که نشان‌دهنده تساهل ایشان در این پژوهش است و اگر می‌دانستند و به آن اشاره نکرده‌اند که جنبه دیگر پیدا می‌کند، که البته بنده آن را بعید می‌دانم.

#### منابع:

۱. خوارزمی، تاج‌الدین حسین بن حسن (۱۳۶۸)، شرح فصوص الحکم شیخ محیی‌الدین بن عربی، تحقیق نجیب مایل هروی، ج اول، تهران: انتشارات مولی.
۲. خوارزمی، کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی (بی‌تا)، جواهر الاسرار و زواهر الانوار، شرح مثنوی معنوی، تحقیق محمدجواد شریعت، مشعل اصفهانی.
۳. درخشان، مهدی (۱۳۶۰)، «دیوان منصور حلاج از کیست؟»، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۳۶۰.

ناقص هم هست) از کمال‌الدین حسین خوارزمی بود که «حسین» تخلص می‌کرد و کم و بیش اشعارش لطافت و ظرافتی هم دارد» (خوارزمی، کمال‌الدین، مقدمه ص ۱). بعد نیز به همان مطلبی که آقای دکتر خیراندیش در مقاله خود از کتاب *مجالس التفاسیر* آورده‌اند، اشاره می‌کنند که: «در زمان شاهرخ میرزا او را جهت یک بیت تکفیر کرده و به شهر هرات آورده‌اند. چون مردی دانشمند بود چیزی بر او ثابت نتوانستند کرد. باز به دیار خود رفت، مطلع آن غزل این است:

ای در همه‌ی عالم پنهان تو و پیدا تو  
هم درد دل عاشق هم اصل مداوا تو»  
(همان، ص ۲)

آقای دکتر خیراندیش که بنا به قول خودشان در همان مقاله ترجمه کمال‌الدین حسین خوارزمی، مقتول به سال ۸۳۹ قمری در خوارزم به دست ازبکان، را نوشته‌اند، جای شگفتی است که منابعی را که در بالا به آنها اشاره رفت، ندیده باشند.